

توانمندسازی، صنعتی شدن و عوامل زمینه‌ای مؤثر بر آن

(مطالعه موردی: مناطق روستایی شهرستان قروه)

حسین میرزایی* - استادیار گروه مطالعات توسعه دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران
غلامرضا غفاری - دانشیار گروه برنامه‌ریزی و رفاه اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران
علیرضا کریمی - کارشناس ارشد توسعه اجتماعی دانشگاه تهران

دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۷/۱۰ پذیرش نهایی: ۱۳۸۹/۱۲/۱۸

چکیده

توانمندسازی به عنوان یکی از اجزای توسعه پایدار، هم می‌تواند عامل این نوع توسعه باشد، و هم معلول آن. در واقع توسعه پایدار بدون توانمندسازی مردم مفهوم ناقصی است. از مواردی که بر توانمندسازی تأثیر می‌نهند، ویژگی‌های زمینه‌ای افراد و همچنین پیامدهای طرح‌ها و پروژه‌هایی است که با هدف توانمندی مردم به اجرا در می‌آیند. مقاله حاضر در کنار ویژگی‌های زمینه‌ای افراد، به بررسی رابطه صنعت ذوب‌آهن با توانمندی ساکنان دهستان یالغوزآغاج شهرستان قروه در استان کردستان می‌پردازد. توانمندی روستاییان از سه بُعد توانمندی اقتصادی، اجتماعی و روانی مد نظر بوده است. یافته‌های این تحقیق که به روش پیمایش به دست آمده حاکی از آن است که به جز متغیر بُعد خانوار که با هیچ یک از ابعاد توانمندسازی مرتبط نیست، سایر متغیرهای زمینه‌ای بررسی شده، تأثیراتی متفاوت بر ابعاد مختلف توانمندی نهاده‌اند. در مورد صنعتی شدن منطقه مورد مطالعه نیز باید گفت که اجرای این طرح، تفاوتی را در هیچ یک از ابعاد توانمندسازی روستاییان به وجود نیاورده است. بر اساس بررسی حاضر دلیل این امر کمترین میزان استفاده از نیروی کار روستایی در صنعت مورد مطالعه و عدم تعامل کارکنان صنعت با روستاییان منطقه بوده است؛ و به عبارت دیگر فقدان ارتباط ارگانیک صنعت ذوب آهن منطقه با جامعه روستایی و برون‌زا و جدا افتاده بودن آن از جامعه روستایی سبب بی‌تأثیر بودن آن بر توانمندسازی جامعه پیرامون صنعت گردیده است.

کلیدواژه‌ها: توانمندسازی، صنعت، عوامل زمینه‌ای، جامعه روستایی، توسعه پایدار.

طرح مسئله

امروزه توانمندی یا توانمندسازی به یکی از مفاهیم اصلی توسعه پایدار تبدیل شده است. رابطه توانمندسازی با توسعه پایدار را می‌توان به سه شیوه بررسی کرد: ۱- توانمندسازی از اجزای توسعه پایدار است؛ ۲- توانمندسازی عامل توسعه پایدار تلقی می‌شود؛ و ۳- توانمندسازی معلول توسعه پایدار به حساب می‌آید. بر همین اساس دستیابی به توسعه پایدار بدون توانمندسازی روستاییان امکان‌پذیر نیست. علاوه بر این، اهمیت توانمندسازی برای دنیای کسب و کار به حدی است که از آن به عنوان رکن اساسی در فرایند اشتغال یاد می‌شود و با توجه به اینکه جامعه روستایی ایران به میزان زیادی با بیکاری (آشکار و پنهان) مواجه است، می‌توان گفت که توانمندسازی روستاییان راه حل سودمندی برای خروج از بیکاری است. توانمندی روستاییان به میزان زیادی به ویژگی‌های زمینه‌ای آنها و تأثیرات طرح‌های توسعه‌ای اجرا شده در روستا وابسته است. در دهه‌های اخیر از میان رویکردهای مختلف برای توسعه روستاهای کشور، رویکرد صنعتی‌شدن انتخاب شده است. هر طرح توسعه‌ای به مفهوم عام و هر طرح صنعتی به مفهوم خاص آن، تأثیراتی مختلف بر جامعه روستایی و میزان توانمندی روستاییان بر جای می‌گذارد که نیازمند بررسی دقیق است. مطالعاتی که راجع به صنعت در مناطق روستایی انجام شده از یک سو بیشتر معطوف به صنایع کوچک و تبدیلی است، و از سوی دیگر تأکید آن عمدتاً بر اشتغال و درآمدزایی ناشی از این صنایع است. به عبارت دیگر، در این تحقیقات تمرکز اصلی بر تأثیرات صنایع کوچک روستایی در زمینه توانمندی اقتصادی روستاییان است و سایر جنبه‌های توانمندی (توانمندی روانی و اجتماعی و جز آن) نادیده گرفته شده‌اند. این در حالی است که صنعتی‌شدن روستا صرفاً با صنایع کوچک و تبدیلی همراه نیست و در برخی از مناطق، صنایع سنگین و غیرخودجوشی وارد مناطق روستایی شده‌اند که با نیازهای جامعه روستایی همخوانی و ارتباط ندارند و تأثیرات‌شان نیز در مقایسه با صنایع کوچک، متفاوت است. نمونه چنین صنایعی را می‌توان در دهستان یالغوزآغاج شهرستان قروه مشاهده کرد، که به خاطر وجود کارخانه ذوب آهن به منطقه‌ای صنعتی تبدیل شده است. یکی از اهداف اصلی ورود کارخانه ذوب‌آهن به منطقه،

ارتقای توانمندی روستاییان بود؛ گو اینکه میزان تأثیر آن بر توانمندسازی روستاییان به بررسی و مطالعه دقیقی نیاز دارد. بر همین اساس و با توجه به تأثیرات متغیرهای زمینه‌ای بر توانمندسازی روستاییان، پرسش‌های تحقیق را بدین ترتیب می‌توان مطرح کرد:

- آیا با صنعتی شدن، توانمندی روستاییان متفاوت خواهد بود؟ اگر تفاوت معناداری وجود دارد، این تفاوت در کدام بُعد از ابعاد اقتصادی، اجتماعی و روانی توانمندسازی نمایان‌تر است و نمود بیشتری دارد؟

- آیا تفاوت در عوامل و متغیرهای زمینه‌ای روستاییان، خود به تفاوت در توانمندی آنها خواهد انجامید؟ اگر این تفاوت معنادار است، کدام بُعد از ابعاد اقتصادی، اجتماعی و روانی توانمندسازی، بیشتر نمود دارد و نمایان‌تر است؟

مبانی مفهومی و نظری تحقیق

در خصوص مفهوم توانمندسازی تعاریف متفاوتی ارائه شده است که این امر را می‌توان ناشی از دو عامل مهم دانست: نخست، چندبُعدی بودن این مفهوم؛ و دوم، کاربرد آن در حوزه‌های مختلفی چون مدیریت، روان‌شناسی، جغرافیا، کشاورزی، جامعه‌شناسی و حوزه‌های دیگر.

ریفکین (۲۰۰۳) توانمندسازی را فرایندی می‌داند که به واسطه آن افراد بر امور و کارهای خود تسلط بیشتری می‌یابند و با کسب قدرت بالا، کنترل بر منابع، اعتمادسازی، ظرفیت‌سازی و مشارکت فعال می‌توانند مسیر زندگی‌شان را به درستی هدایت کنند. شادی‌طلب (۱۳۸۱) نیز توانمندسازی را فرایندی می‌داند که به واسطه آن مردم به سطحی از توسعه فردی دست می‌یابند که با آن، امکان انتخاب بر اساس خواسته‌های‌شان فراهم می‌گردد. به اعتقاد آمارتیا سن (۱۳۸۱) و به تعریف وی، توانمندسازی نوعی آزادی است که هم ابزار است و هم هدف غایی؛ یا به عبارتی، آزادی دستیابی به ترکیب‌های متفاوتی از عملکردهاست. از دید آمارتیا سن آزادی دستیابی به شیوه‌های گوناگون زیستن است و توانمندی نیز بر گسترش این آزادی‌ها برای انسان، به گونه‌ای که بتواند به همان شیوه که ارزشمند می‌شمارد زندگی کند، تأکید می‌ورزد.

توانمندسازی به دنبال آن است که مردم بتوانند خود آغازگر، کنترل‌کننده و رهبر توسعه باشند و در عین حال توان مشارکت آزادانه در پروژه‌ها و طرح‌های توسعه را نیز داشته باشند. در واقع این دیدگاه از توانمندسازی به دنبال گسترش نگرش جدیدی به قدرت و کنترل شرایط زندگی است (لکوکو و مروه^۱، ۲۰۰۶). در مجموع توانمندسازی را می‌توان فرایند قدرت بخشیدن به افراد دانست تا از این طریق بتوانند بر احساس ناتوانی و درماندگی خود چیره شوند. مزایای متعددی را می‌توان برای توانمندسازی برشمرد، که طیفی گسترده را در بر می‌گیرد: از برآورده شدن نیازهای اساسی گرفته، تا دستاوردهای پیچیده‌تری مانند رضایتمندی، احساس تعلق و تعهد، تحقق اهداف، تقلیل هزینه‌ها و ارتقای سوددهی، عزت نفس، افزایش مشارکت، پرورش احساس مالکیت، خودباوری و امکان توسعه و جز اینها (سن، ۱۳۸۱).

ابعاد مختلفی برای توانمندسازی ذکر شده است که می‌توان آنها را در شش بُعد بدین شکل خلاصه کرد: اقتصادی، سیاسی، روانی، اجتماعی، حقوقی و فرهنگی (غفاری و همکاران، ۱۳۸۸). در جامعه روستایی، ابعادی چون توانمندی اقتصادی و اجتماعی و روانی، بیشتر از ابعاد دیگر اهمیت دارند. عوامل مختلفی در فرایند توانمندسازی دخالت دارند، که در این میان قابلیت‌ها و ویژگی‌های زمینه‌ای افراد، دارای نقش اهمیت خاصی است (شکوری و همکاران، ۱۳۸۶). تحقیقات مختلف حاکی از آن‌اند که در میان متغیرهای زمینه‌ای، عواملی چون اشتغال، درآمد، تحصیلات، جنسیت و سن بیشترین تأثیر را بر توانمندی افراد دارند (مویل و دولارد^۲، ۲۰۰۸؛ کتابی و همکاران، ۱۳۸۲؛ شادی‌طلب و همکاران، ۱۳۸۴؛ شولر و هاشمی^۳، ۱۹۹۴؛ مانکنم و همکاران^۴، ۲۰۰۷). در مورد ارتباط بین شغل، درآمد، تحصیلات و توانمندی، مشخص

1. Lekoko and Merwe
2. Moyle and Dollard
3. Schuler and Hashemi
4. Monkman et al

گردیده است که افراد شاغل و دارای درآمد و تحصیلات بالا توانمندی بیشتری نیز دارند (کتابی و همکاران، ۱۳۸۲؛ کبیر، ۲۰۰۵؛ شادی‌طلب و همکاران، ۱۳۸۴). اشتغال، دارای تأثیرات بسیار مثبتی بر رفتار و وجهه انسان است. فراهم کردن شرایط اشتغال برای افراد موجب ارتقای عزت نفس، کسب وجهه، منزلت اجتماعی (از فاکتورهای توانمندی روانی)، تعامل اجتماعی و مشارکت (از فاکتورهای توانمندی اجتماعی) و در نهایت درآمد و توسعه مهارت‌های فرد (از فاکتورهای توانمندی اقتصادی) می‌شود (طباطبایی یحیی‌آبادی و حسینیان، ۱۳۸۴؛ کتابی و همکاران، ۱۳۸۲؛ شادی‌طلب و همکاران، ۱۳۸۴؛ امینی یخدانی، ۱۳۸۸؛ حیدری ساربان، ۱۳۸۸). تحصیلات نیز همانند اشتغال، علاوه بر اینکه بر بهبود وضعیت اقتصادی افراد کمک می‌کند، در ابعاد دیگر توانمندی - نیز به ویژه اجتماعی و روانی - می‌تواند تأثیرگذار باشد. بدین ترتیب، شاخص تحصیلات باید به عنوان یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار بر توانمندی و اشتغال مورد توجه قرار گیرد (شادی‌طلب و همکاران، ۱۳۸۴؛ کتابی و همکاران، ۱۳۸۲؛ محمودی و بهمن‌پور، ۱۳۸۸).

عده‌ای در فرایند توانمندسازی متغیر جنسیت (مردانگی و زنانگی) را هم جزو ابعاد فرهنگی مؤثر بر می‌شمارند و معتقدند که در فرهنگ مردانه (جایی که تمرکز بر نتایج قوی است)، احتمال اینکه اطلاعات تسهیم شود زیاد است؛ و مردان بیشتر به دنبال اطلاعاتی می‌روند که نتایج و اهداف معنادار و مسئولیت‌پذیری را به صورت مستمر در خود داشته باشد. بر عکس، در فرهنگ زنانه (که در آن بیشتر بر نوع دوستی و تعلیم و تربیت تأکید می‌شود) اطلاعات بیشتر در فرایندها و روابط و ارتباطات معنا پیدا می‌کنند و تسهیم اطلاعات به سختی صورت می‌گیرد، چون که تمرکز بیشتر بر وظایف و اهداف است، و در نهایت زنان در مقایسه با مردان، دیرتر به توانمندسازی جواب می‌دهند (حیدری ساربان، ۱۳۸۸). علاوه بر این، به دلیل آداب و رسوم و هنجارهای سخت حاکم بر ساختار جامعه روستایی، زنان از بسیاری از فرصت‌های توانمندی

محروم‌اند، حال آنکه اغلب اوقات در خانه و مزارع برای امرار معاش همپای مردان به فعالیت می‌پردازند (اِبر و تانسکی^۱، ۲۰۰۱؛ ازکیا و ایمانی، ۱۳۸۷؛ یانسنز^۲، ۲۰۰۹). همین امر خود موجب تشدید تفاوت میزان توانمندی بین زنان و مردان می‌شود.

یکی دیگر از متغیرهای زمینه‌ای مؤثر بر توانمندی - به ویژه بر توانمندی زنان - به تعداد فرزندان مربوط می‌شود؛ لیکن متغیری است که در بسیاری از تحقیقات مرتبط با توانمندسازی به آن توجهی نشده است. طرح اندازه‌گیری رشد جمعیت در آبان ماه ۱۳۷۷ نشان می‌دهد که در جامعه شهری کشور با افزایش تعداد فرزندان فرصت اشتغال برای زنان، پیوسته رو به کاهش نهاده است. این کاهش تا فرزند سوم گُند است، لیکن پس از آن شدت می‌گیرد. در جامعه روستایی به دلیل شکل خانوار و نوع فعالیت و اشتغال، افزایش تعداد فرزندان نه تنها کاهش فرصت‌های اشتغال زنان را به همراه ندارد، بلکه حتی هم‌پای این افزایش تعداد فرزندان، فرصت‌های شغلی زنان نیز رو به افزایش می‌گذارد و با داشتن دست کم هفت فرزند به اوج خود می‌رسد (زنجانی، ۱۳۷۹، ۱۸۹).

علاوه بر متغیرهای زمینه‌ای، توانمندسازی افراد تحت تأثیر سیاست‌های مختلف توسعه نیز دچار تغییرات متعددی می‌شود. همزمان با تغییراتی که در سطح جهانی در زمینه الگوهای توسعه و به ویژه توسعه روستایی ایجاد شد، روستاهای ایران با الگوهای مختلف توسعه مواجه شدند. دیدگاه توسعه قبل از انقلاب بر محور "رشد" و اقتصادی برشمردن توسعه طراحی شده بود. در برنامه‌ریزی‌های این دیدگاه، جامعه روستایی می‌بایست قیود را تمام ویژگی‌های سنتی از میان بردارد و مدرن شود. بعد از انقلاب دیدگاه "دگرگون‌ساز" و سیاسی دیدن توسعه قوت گرفت. در این دیدگاه انتظار خودکفایی و تلاش برای جبران محرومیت چند ده ساله جامعه روستایی، با ارائه خدمات هرچه بیشتر و آن هم بدون برنامه پیش رفت. توفیق نیافتن دیدگاه

1. Eber and Tanski
2. Janssens

دگرگون‌ساز، میدان را برای دیدگاه "رشد" مجدداً هموار کرد. در دیدگاه رشد، یکی از راهبردهای توسعه مناطق روستایی که با هدف ارتقای توانمندی روستاییان به ویژه از بُعد توانمندی اقتصادی و اجتماعی انجام می‌شود، راهبرد صنعتی کردن مناطق روستایی است. در این زمینه گروهی از محققان توسعه روستایی، صنعتی شدن روستا را به عنوان سنگ بنای استراتژی توسعه آینده مورد بحث قرار داده‌اند (طاهرخانی، ۱۳۷۹). میسرا معتقد است که صنعتی شدن روستا و گسترش فعالیت‌های غیرزراعی عاملی در افزایش رفاه و تأمین کالاها و خدمات ضروری برای خانوارهای روستایی است. تأثیرات و نفوذ صنعت در مناطق روستایی ضمن ایجاد اقتصادی فعال می‌تواند دارای تأثیرات مختلف و متنوعی باشد. تجربیات کشورهای متعدد نیز نشان می‌دهد که هر تغییر ساختاری از طریق صنعتی شدن، نه تنها نقش اقتصادی باارزشی را در مناطق روستایی ایجاد می‌کند بلکه منجر به اقتصاد خودرانشی نیز می‌شود (مطیعی لنگرودی و نجفی کانی، ۱۳۸۵). مهم‌ترین تأثیرگذاری صنعت بر مناطق روستایی همواره از دیدگاه ایجاد اشتغال و افزایش درآمد روستاییان مد نظر بوده (اسلام و هی‌هوی^۱، ۱۹۹۴؛ سیگاردسون، ۱۹۷۵) و دیگر تأثیرات صنعت تا حد زیادی وابسته به آنها فرض شده است. به طور کلی دیدگاه‌هایی را که درباره مزایای صنعت در مناطق روستایی مطرح شده‌اند، می‌توان در دو بُعد اقتصادی و اجتماعی، به نحوی که در ادامه می‌آید جمع‌بندی کرد.

از دورنمای اقتصاد روستایی، صنعتی شدن روستا باعث افزایش درآمد زارعان کم‌درآمد، توسعه فرصت‌های اشتغال و همچنین افزایش امنیت شغلی می‌شود. چنین فرایندی می‌تواند توانمندی اقتصادی روستاییان را تسریع کند و لذا باعث ایجاد فرصت‌های کاری غیرکشاورزی، کاهش شکاف درآمدی بین شهر و روستا و همچنین بین خانوارهای روستایی شود. از لحاظ اجتماعی و روانی نیز توسعه صنعت در روستا باعث افزایش رفاه ذهنی و عینی روستاییان و بالا

1. Islam and Hehui
2. Sigurdson

رفتن سطح زندگی آنان، افزایش اعتماد و گسترش روابط اجتماعی می‌شود که نتیجه آن افزایش توانمندی اجتماعی و روانی روستاییان است (ازکیا و ایمانی، ۱۳۸۷، ۳۶۰؛ دربان‌آستانه، ۱۳۸۳، ۴۳؛ طاهرخانی، ۱۳۷۹، ۸۶؛ رضوانی و همکاران، ۱۳۸۹؛ سمینار استقرار صنعت در روستا، ۱۳۶۵؛ کرمانی به نقل از دیویس و بزمر، ۱۳۸۵، ۲۴؛ صادقی، ۱۳۸۰؛ رکن‌الدین افتخاری و طاهرخانی، ۱۳۸۱؛ هیویت و همکاران، ۱۳۷۷). با توجه به مبانی مفهومی و نظری مطرح شده و پرسش‌هایی که در طرح مسئله تحقیق آورده شده‌اند، فرضیه‌های این مقاله را می‌توان بدین شرح برشمرد:

- ابعاد مختلف توانمندی روستاییان (توانمندی اقتصادی، توانمندی اجتماعی، توانمندی روانی و توانمندی کل) بر حسب متغیرهای جنسیت و تحصیلات و شغل، متفاوت است.
- نوعی ارتباط بین سن، بُعد خانوار، تعداد افراد شاغل در خانوار و درآمد ماهیانه خانوارهای روستایی با میزان توانمندی آنها در ابعاد مختلف (توانمندی اقتصادی، توانمندی اجتماعی، توانمندی روانی و توانمندی کل) وجود دارد.
- صنعتی‌شدن، خود به تفاوت‌هایی در توانمندسازی ساکنان منطقه در ابعاد مختلف (توانمندی اقتصادی، توانمندی اجتماعی، توانمندی روانی و توانمندی کل) دامن زده است.

تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای تحقیق

در این تحقیق، دو دسته متغیر در نظر گرفته شده‌اند: متغیرهای مستقل، و متغیرهای وابسته. متغیرهای مستقل خود به دو دسته متغیرهای زمینه‌ای و صنعتی‌شدن تقسیم می‌شوند. متغیر وابسته نیز توانمندسازی است که ابعادی چون توانمندی اقتصادی، توانمندی اجتماعی و توانمندی روانی را در بر می‌گیرد، که در ادامه به بررسی آنها پرداخته می‌شود.

صنعتی‌شدن

صنعتی‌شدن در قالب وضعیت دو شقی وجود کارخانه ذوب آهن در دهستان یالغوزآغاج، و مشخصاً فقدان آن در دهستان قصلان در نظر گرفته شده است.

متغیرهای زمینه‌ای

متغیرهای زمینه‌ای تحقیق اینها هستند: سن، جنس، تحصیلات، وضعیت شغلی، بُعد خانوار، تعداد افراد شاغل در خانوار، و درآمد ماهیانه خانوار روستاییان.

سن: تعداد سال‌هایی که از تولد فرد می‌گذارد، که در سطح فاصله‌ای با پرسش از افراد اندازه‌گیری شد.

تحصیلات: میزان تحصیلات به تعداد سال‌های تحصیل هر فرد اطلاق می‌شود، که در این تحقیق در ۵ وضعیت مورد بررسی قرار گرفته‌اند: بی‌سواد، ابتدایی، راهنمایی، متوسطه و دیپلم، فوق‌دیپلم و لیسانس و بالاتر.

بُعد خانوار: مجموعه افرادی که با هم در اقامتگاهی مشترک زندگی می‌کنند و با یکدیگر هم‌خرج‌اند و معمولاً با هم غذا می‌خورند، بُعد خانوار نام دارد (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵). در اینجا، بُعد خانوار با پرسش از پاسخگویان اندازه‌گیری شده است. سایر متغیرهای زمینه‌ای - یعنی جنس، وضعیت شغلی افراد، تعداد شاغلان خانوار و درآمد ماهیانه خانوار - نیازی به تعریف مفهومی و عملیاتی ندارند.

توانمندسازی یا توانمندی

در بخش مبانی نظری، تعاریف مختلفی برای این مفهوم ذکر شده است. در این تحقیق، میزان توانمندی روستاییان در سه بُعد توانمندی اجتماعی، روانی و اقتصادی مورد آزمون قرار گرفته و مجموع توانمندی روستاییان در این سه بُعد به عنوان توانمندی کلی آنها در نظر گرفته شده است.

توانمندی اجتماعی

برای بررسی میزان توانمندی اجتماعی روستاییان، از دو مؤلفه استفاده شده است: تمایل به مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی، و مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی.

- تمایل به مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی: برای سنجش این تمایل روستاییان، از ۵ گویه در قالب طیف لیکرت استفاده شده است که اینها هستند: "میزان تمایل روستاییان برای کمک به دیگران"، "میزان تمایل برای صحبت با روستاییان دیگر در مورد مسائل و مشکلات روستا"، "تمایل به شرکت در کارهای جمعی و گروهی"، "تمایل برای شرکت در انجمن‌ها، تعاونی‌ها و شورای روستا"، و "اعتقاد به تأثیرگذاری بیشتر کارهای جمعی در قیاس با کار فردی".

- مشارکت در فعالیت‌های جمعی: این مؤلفه نیز با ۵ گویه مورد بررسی قرار گرفته است: "شرکت در مراسم مذهبی و محلی"، "مشارکت در طرح‌های عمرانی روستا مانند جاده‌کشی، بازسازی مسجد و مانند اینها"، "شرکت در انتخابات شورای روستا"، "شرکت در فعالیت‌های جمعی و گروهی روستا"، و "مشورت با اهالی روستا، در مورد مشکلات موجود در روستا".

توانمندی روانی

برای سنجش متغیر توانمندی روانی از چهار مؤلفه - عزت نفس، استقلال فکری، احساس قدرت و خوداثربخشی - استفاده شده است.

- عزت نفس: برای سنجش عزت نفس، ۵ گویه به کار رفته است: "احساس رضایت از بودن"، "احساس موفقیت در زندگی"، "احساس رضایت از موقعیت اجتماعی"، "احساس احترام از جانب دیگران"، "احساس شرمندگی از خود در بیشتر اوقات".

- خوداثربخشی: این مؤلفه نیز با پنج گویه سنجیده شده است که عبارت‌اند از: "احساس ثمربخش یا تأثیرگذار بودن کارهایی که فرد انجام می‌دهد"، "احساس توانایی کمک به دیگران"، "احساس ناتوانی در تغییر زندگی خود و خانواده"، "احساس بی‌فایده بودن در زندگی" و "توانایی حل مشکلات پیش روی در زندگی".

- احساس قدرت: برای سنجش احساس قدرت از گویه‌هایی مانند "توانایی رقابت با دیگران"، "توانایی تغییر سرنوشت خود"، "احساس قدرت در زندگی"، "توانایی تغییر فرهنگ روستا"، "توانایی زنان و دختران روستا در تعیین رخدادهای زندگی مانند ازدواج و بچه‌دار شدن" و "توان

اثرگذاری بر اتفاقات و رویدادهای روستا استفاده شده است.

- استقلال فکری: برای سنجش این مؤلفه میزان تاثیرگذاری پاسخگویان، در تصمیماتی چون "ازدواج خود یا فرزندان"، "خرید وسایل شخصی مانند کفش، پوشاک و نظایر آن، ادامه تحصیل خود یا فرزندان"، "مدیریت هزینه روزانه" و "انتخاب دوستان" سنجیده شده است.

توانمندی اقتصادی

برای سنجش توانمندی اقتصادی از این گویه‌ها استفاده شده است: توانایی افزایش درآمد، توانایی ایجاد شغل جدید، توانایی بازپرداخت اقساط بانکی و توانایی روستاییان برای پس‌انداز بخشی از درآمد خود همراه با مهارت و توانمندی آنها در قالب دو جواب "بلی" و "خیر".

روش تحقیق

در این تحقیق، برای بررسی موضوع از روش پیمایش استفاده شده است. علت انتخاب این روش، همانا تعدد متغیرهایی که باید سنجیده شوند، و بررسی چگونگی توزیع و روابط بین این متغیرهاست به علاوه، مزیت پیمایش به لحاظ صرفه‌جویی، سرعت عمل در جمع‌آوری داده‌ها و نیز قابلیت آن در شناسایی ویژگی‌های جمعیت بر اساس نمونه، انتخاب این روش را اولویت بخشیده‌اند. بر همین اساس و با توجه به فرضیه‌های تحقیق و مبانی نظری، پرسشنامه اولیه تهیه شد و آن‌گاه در پی انجام ۳۰ مورد پیش‌آزمون و اصلاحات انجام شده، پرسشنامه نهایی تدوین گردید.

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری مورد مطالعه ساکنان دو دهستان یالغورآغاج و قُصلان واقع در شهرستان قروه در استان کردستان است که از بسیاری جهات - مانند موقعیت جغرافیایی، تعداد روستاهای تحت

اختیار، جمعیت، زبان، مذهب، امکانات و خدمات و برخی خصوصیات دیگر-مشابه‌اند. تفاوت عمده دو دهستان مورد مطالعه این است که دهستان یالغوزآغاج به واسطه وجود کارخانه ذوب آهن در آن که جزو صنایع سنگین است به دهستانی صنعتی شده بدل گشته است، در حالی که دهستان قصلان فاقد این ویژگی است. در دهستان یالغوزآغاج خانوارهای روستاهای کچی‌گرد، کریم‌آباد و فخرآباد که از لحاظ فاصله نزدیک‌ترین روستاها به کارخانه ذوب آهن به شمار می‌آیند، همراه با خانوارهای مرکز دهستان - یعنی روستای یالغوزآغاج - به عنوان جامعه آماری انتخاب شده‌اند. با استفاده از فرمول کوکران و با توجه به تعداد خانوارهای چهار روستای دهستان یالغوزآغاج نمونه آماری تحقیق در دهستان صنعتی‌شده ۱۳۶ خانوار است. در دهستان قصلان به عنوان منطقه‌ای صنعتی‌نشده از روستای قصلان و زیویه با استفاده از همین فرمول ۱۲۱ خانوار انتخاب شدند. از هر خانوار یک نفر با دامنه سنی ۲۵ تا ۶۵ سال به صورت تصادفی انتخاب و به عنوان نمونه آماری مورد مصاحبه قرار گرفته است. در نتیجه ساکنان دو دهستان یادشده واحد مشاهده و دهستان‌ها سطح تحلیل این مقاله را تشکیل می‌دهند.

اعتبار و پایایی

برای سنجش اعتبار پرسشنامه در پژوهش حاضر از روش اعتبار صوری (محتوایی) استفاده شده است؛ بدین صورت که پس از تنظیم پرسشنامه و طراحی گویه‌های لازم برای شاخص‌های تحقیق، پرسشنامه را استادان و متخصصان این زمینه از پژوهش، مورد بررسی قرار دادند. آنان دیدگاه‌های‌شان را پس از بررسی و مطابقت گویه‌ها با شاخص‌های اندازه‌گیری شده و شرایط محیط پژوهش بیان کردند. اعمال نظر استادان در کنار ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی منطقه مورد مطالعه، عوامل اصلی انتخاب گویه برای سنجش شاخص‌ها بود.

تمام گویه‌های مربوط به هر یک از مؤلفه‌های توانمندی اجتماعی و توانمندی روانی در قالب طیف لیکرت با گزینه‌های سه‌تایی (زیاد، متوسط و کم) مورد بررسی قرار گرفته‌اند که پس از آزمون مقدماتی و محاسبه ضریب آلفای کرونباخ، به منظور تعیین پایایی آنها، برای

بررسی نهایی انتخاب شدند. در بررسی نهایی مقدار آلفای کرونباخ برای هر یک از مؤلفه‌های تمایل به مشارکت در فعالیتهای جمعی ۰/۶۶، مشارکت در فعالیتهای جمعی ۰/۷۸، عزت نفس ۰/۷۶، احساس قدرت ۰/۶۲ و خود اثربخشی ۰/۶۵ بوده است

بررسی یافته‌های تحقیق

یافته‌های توصیفی

متغیرهای زمینه‌ای

بر اساس جدول ۱ مشاهده می‌شود که ۲۱/۳ درصد از پاسخگویان تحقیق حاضر در دهستان یالغوزآغاج زن بوده‌اند و ۷۸/۷ درصد مرد؛ و در دهستان قصلان ۲۳/۱ درصد را زنان و بقیه - یعنی ۷۶/۹ درصد - از پاسخگویان را مردها تشکیل می‌دهند.

جدول ۱. توزیع مطلق و نسبی جنسیت پاسخگویان بر حسب دهستان

جنسیت	فراوانی مطلق		درصد معتبر	
	یالغوزآغاج	قصلان	یالغوزآغاج	قصلان
زن	۲۹	۲۸	۲۱/۳	۲۳/۱
مرد	۱۰۷	۹۳	۷۸/۷	۷۶/۹

جدول ۲ توزیع فراوانی پاسخگویان را بر حسب میزان تحصیلات نشان می‌دهد. یافته‌های جدول حاکی از آن‌اند که تحصیلات ۸۵/۹ درصد از پاسخگویان دهستان یالغوزآغاج دیپلم و زیر دیپلم است؛ و همین آمار برای دهستان قصلان ۹۲/۶ درصد است.

جدول ۲. توزیع مطلق و نسبی وضعیت تحصیلات پاسخگویان بر حسب دهستان

تحصیلات	یالغوزآغاج		قصلان	
	فراوانی مطلق	درصد معتبر	فراوانی مطلق	درصد معتبر
بی‌سواد	۲۲	۱۶/۳	۲۴	۱۹/۸
ابتدایی	۲۴	۱۷/۸	۳۰	۲۴/۸
راهنمایی	۲۲	۱۶/۳	۲۴	۱۹/۸
متوسطه و دیپلم	۴۸	۳۵/۶	۳۴	۲۸/۱
فوق دیپلم	۱۱	۸/۱	۳	۲/۵
لیسانس و بالاتر	۸	۵/۹	۶	۵

جدول ۳ وضعیت شغلی پاسخگویان را نشان می‌دهد. این جدول پاسخگویان شاغل را بر حسب شغل اول و دوم نیز دسته‌بندی کرده است. از مجموع ۱۳۶ پاسخگوی دهستان صنعتی‌شده یالغوزآغاج ۶۳ نفر (۴۶/۳ درصد) شاغل‌اند و شغل بیشتر آنها (۳۵/۴ درصد) کشاورزی است و تنها ۴ نفر از این پاسخگویان در کارخانه ذوب‌آهن مجاور روستا به کار اشتغال دارند. همین آمار برای دهستان صنعتی‌نشده قصلان حاکی از آن است که از ۱۲۱ پاسخگوی این دهستان تعداد ۶۶ نفر (۵۴/۵ درصد) شاغل‌اند، و همانند دهستان یالغوزآغاج شغل بیشترشان کشاورزی است. در بین شاغلان دهستان صنعتی‌شده فقط تعداد ۸ نفر (۱۲/۸ درصد) دارای شغل دوم‌اند. همین آمار برای دهستان صنعتی‌نشده ۱۰ نفر (۱۴/۷ درصد) است. شغل دوم پاسخگویان جزو مشاغلی روستایی است که توانمندی خاصی را برای فراگیری آن در کلاس‌های آموزشی به دست نیاورده‌اند. در واقع این مشاغل در طول دوران زندگی و از کار در کنار پدران آموخته شده است.

جدول ۳. توزیع مطلق و نسبی وضعیت شغلی پاسخگویان بر حسب دهستان

نام دهستان	توزیع مطلق و نسبی	بالتوزع			فصلان		
		فراوانی	مطلق	درصد معتبر	فراوانی	مطلق	درصد معتبر
شمال	شمال	۶۳		۴۶۳			۵۴/۵
	خانه‌دار	۱۸		۱۳۲		۲۳	۱۹
	محصل	۳		۲۳		۵	۴/۱
	جویای کار	۴۸		۳۵۳		۳۷	۲۲/۳
	از کار افتاده	۴		۲/۹		۰	۰
نوع شغل اول	کشاورز	۲۳		۳۵۴		۲۶	۳۸/۳
	دامدار	۴		۶۲		۳	۴/۴
	کارگر	۱۲		۱۸۵		۱۶	۲۳/۵
	کار در ذوب آهن	۴		۶۲		۰	۰
	کار فنی	۶		۹۲		۳	۴/۴
	راننده / کاسب	۹		۱۳/۸		۶	۸/۸
	کارمند	۷		۱۰/۸		۴	۹/۵
	کارگر معدن	۰		۰		۱۰	۱۴/۱
نوع شغل دوم	کشاورز	۳		۳۷/۵		۶	۶۰
	دامدار	۱		۱۲/۵		۲	۲۰
	کارگر	۲		۲۵		۱	۱۰
	سایر	۲		۲۵		۱	۱۰

در پرسشی دیگر از پرسشنامه، از پاسخگویان خواسته شد که مهارت و توانمندی‌های خود را - غیر از مهارت‌شان در شغل اصلی- بیان کنند. در دهستان صنعتی شده از کل پاسخگویان تنها تعداد ۳۷ نفر (۲۷/۲ درصد) دارای این مهارت و توانمندی بودند. همین آمار برای دهستان صنعتی نشده برابر با ۳۹ نفر (۳۲/۲ درصد) بود. مهارت‌های پاسخگویان را می‌توان به صورت جدول ۴ نشان داد.

جدول ۴. توزیع مطلق و نسبی مهارت و توانمندی پاسخگویان بر حسب دهستان

دهستان قصلان		مهارت و توانمندی	دهستان یالغوزآغاچ	
درصد معتبر	فراوانی مطلق		فراوانی مطلق	درصد معتبر
۵/۱	۲	لوله‌کشی و برق‌کشی	۹	۲۴/۳
-	-	جوشکاری	۴	۱۰/۸
۲۰/۵	۸	رانندگی	۱۰	۲۷
۵/۱	۲	مکانیکی	۴	۱۰/۸
۱۰/۳	۴	امور خدماتی	۳	۸/۱
۲۰/۵	۸	دامداری صنعتی	۱	۲/۷
۲۰/۵	۸	کشاورزی مکانیزه	۳	۸/۱
۱۷/۹	۷	سایر	۳	۸/۱

بر اساس جدول ۵، میانگین سنی افراد در دهستان یالغوزآغاچ ۳۶/۱ سال است و در دهستان قصلان ۳۸/۵ سال. میانگین بُعد خانوار و تعداد افراد شاغل در هر خانوار در دو دهستان مورد مطالعه یکسان و به ترتیب ۴/۹ و ۱/۱ نفر است. میانگین درآمد ماهانه خانوار در دهستان یالغوزآغاچ (۲۶۷/۴ هزار تومان) کمتر از دهستان قصلان (۳۰۳ هزار تومان) است؛ ولی با این حال در هر دو منطقه بیشتر پاسخگویان درآمد ماهانه خانوارشان را ۳۰۰ هزار تومان بیان کرده‌اند.

جدول ۵. توزیع نسبی پاسخگویان دو دهستان بر حسب سایر گویه‌های توصیفی

گویه	نام دهستان	میانگین	مد	کمترین مقدار	بیشترین مقدار	انحراف استاندارد	تعداد بی‌پاسخ‌ها
سن پاسخگویان	یالغوزآغاچ	۳۶/۱	۲۵	۲۵	۶۵	۱۰/۷	۰
	قصلان	۳۸/۵	۲۵	۲۵	۶۵	۱۱/۱	۱
تعداد افراد خانوار	یالغوزآغاچ	۴/۹	۵	۲	۹	۱/۵	۹
	قصلان	۴/۹	۵	۱	۹	۱/۷	۴
تعداد افراد شاغل در خانوار	یالغوزآغاچ	۱/۱	۱	۰	۳	۰/۵	۱۱
	قصلان	۱/۱	۱	۰	۴	۰/۷	۴
درآمد ماهانه خانوار (هزار تومان)	یالغوزآغاچ	۲۶۷/۴	۳۰۰	۲۰	۱۰۰۰	۱۶۱	۳۱
	قصلان	۳۰۳	۳۰۰	۵۰	۷۰۰	۱۵۲/۷	۱۷

جدول ۶ نتایج حاصل از متغیر توانمندی اجتماعی و مؤلفه‌های آن را به تفکیک دو دهستان صنعتی‌شده و صنعتی‌نشده نشان می‌دهد.

جدول ۶. توزیع نسبی پاسخ به متغیر توانمندی اجتماعی و مؤلفه‌های آن بر حسب دهستان

گویه	زیاد		متوسط		کم	
	یالغوزآغاج	قصلان	یالغوزآغاج	قصلان	یالغوزآغاج	قصلان
توانمندی اجتماعی	۳۴/۸	۳۳	۴۹/۲	۵۳/۹	۱۵/۹	۱۳
تمایل به مشارکت در فعالیتهای اجتماعی	۲۴/۴	۲۲/۹	۵۹/۳	۵۳/۹	۱۶/۳	۱۷/۸
مشارکت در فعالیتهای اجتماعی	۳۲/۳	۳۳/۹	۴۷/۴	۵۲/۵	۲۰/۳	۱۳/۵

نتایج حاصل از متغیر توانمندی روانی و مؤلفه‌های آن در جدول ۷ به تفکیک دو دهستان ذکر شده است.

جدول ۷. توزیع نسبی پاسخ به متغیر توانمندی روانی و مؤلفه‌های آن بر حسب دهستان

گویه	زیاد		متوسط		کم	
	یالغوزآغاج	قصلان	یالغوزآغاج	قصلان	یالغوزآغاج	قصلان
توانمندی روانی	۷۰/۲	۶۹/۴	۲۸/۹	۳۰/۳	۰/۹	۰/۳
عزت نفس	۷۱/۲	۷۰/۶	۲۸/۴	۲۷/۸	۰/۴	۰/۶
استقلال فکری	۵۳/۵	۵۳/۸	۴۲/۵	۴۱/۹	۳/۹	۴/۳
احساس قدرت	۳۹/۴	۴۴/۲	۵۶/۷	۵۳/۱	۳/۹	۲/۷
خودآبربخشی	۷۲	۷۰/۸	۲۸	۲۸/۳	۰	۰/۸

جدول ۸ نتایج حاصل از گویه‌های توانمندی اقتصادی برای دو دهستان صنعتی‌شده و یالغوزآغاج و صنعتی‌نشده فصلان را نشان می‌دهد.

جدول ۸. توزیع نسبی پاسخ به گویه‌های توانمندی اقتصادی بر حسب دهستان

خیر		بلی		گویه‌ها
قصلان	یالغوزآغاج	قصلان	یالغوزآغاج	
۵۶/۲	۵۱/۵	۴۳/۸	۴۸/۵	۱- آیا توانایی افزایش درآمدها را دارید؟
۷۰/۲	۶۲/۵	۲۹/۸	۳۷/۵	۲- آیا توانایی ایجاد شغل جدیدی را دارید؟
۵۴/۲	۵۵/۱	۴۵/۸	۴۴/۹	۳- آیا توانایی بازپرداخت اقساط بانکی خود را دارید؟
۷۲/۸	۷۸/۷	۲۷/۲	۲۱/۳	۴- آیا می‌توانید بخشی از درآمد خود را پس‌انداز کنید؟
۲۴/۸	۲۴/۵	۷۵/۲	۷۵/۵	۵- آیا خود را فردی توانمند و با مهارت می‌دانید؟

با ترکیب نمره‌های گویه‌های این متغیر و تقسیم نمره‌ها به سه قسمت با فواصل برابر، مشخص گردید که در دهستان صنعتی‌شده یالغوزآغاج ۳۷ درصد از روستاییان توانمندی اقتصادی‌شان را پایین دانسته‌اند، ۳۶/۳ درصد آن را متوسط خوانده‌اند، و ۲۶/۷ درصد این توانمندی را در سطح بالایی ارزیابی کرده‌اند. همین آمار برای دهستان صنعتی‌نشده فصلان نشان می‌دهد که میزان توانمندی اقتصادی ۳۸/۳ درصد از روستاییان پایین است، ۳۸/۳ درصدشان متوسط، و سطح توانمندی ۲۳/۴ درصد از آنها بالاست.

یافته‌های تبیینی

در این بخش فرضیه‌های تحقیق آزمون می‌شوند. نوع تکنیک آماری به کار رفته، با توجه به سطح سنجش متغیرها تعیین شده است، بدین نحو که با استفاده از تکنیک‌های مناسب، رابطه بین دو متغیر بررسی می‌گردند و نتایج به جامعه آماری تعمیم داده می‌شوند. در این تحقیق با توجه به سطح سنجش متغیرها، از سه تکنیک آماری استفاده می‌شود. این تکنیک‌ها عبارت‌اند از: آزمون F، آزمون T و آزمون ضریب همبستگی پیرسون. در ادامه، با استفاده از این تکنیک‌ها به آزمون فرضیه‌های تحقیق پرداخته می‌شود.

جدول ۹ نتایج آزمون تفاوت میانگین توانمندی‌های پاسخگویان را بر حسب سطح تحصیلات آنها نشان می‌دهد.

جدول ۹. آزمون مقایسه میانگین توانمندی‌های پاسخگویان برای سطوح مختلف تحصیلی

متغیر وابسته												سطح تحصیلات
توانمندی کل			توانمندی روانی			توانمندی اجتماعی			توانمندی اقتصادی			
انتهای استاندارد	میانگین	فراوانی	انتهای استاندارد	میانگین	فراوانی	انتهای استاندارد	میانگین	فراوانی	انتهای استاندارد	میانگین	فراوانی	
۷/۲۶	۶۴/۸	۳۶	۳/۵۶	۳۸/۵	۳۸	۴/۴۵	۱۹/۶	۴۲	۱/۲۱	۶/۶	۴۵	بی‌سواد
۸/۱	۶۸/۳	۴۷	۴/۲۴	۳۹/۶	۴۷	۳/۷۳	۲۱/۸	۵۴	۱/۵۶	۷/۲	۵۴	ابتدایی
۵/۵	۶۸/۹	۳۸	۳/۲۵	۳۹/۸	۳۹	۳/۵۲	۲۱/۷	۴۵	۱/۲۸	۷/۱	۴۶	راهنمایی
۷/۷	۶۹/۴	۶۶	۴/۱۴	۴۰/۵	۷۲	۴/۳۳	۲۱	۷۷	۱/۵۴	۷/۴	۸۱	متوسط و دیپلم
۵/۴	۷۲	۱۳	۲/۰۶	۴۲/۵	۱۳	۴/۲۱	۲۱/۴	۱۴	۱/۵۱	۸/۱	۱۴	فوق‌دیپلم
۴/۷۴	۷۴/۸	۱۳	۲/۸۲	۴۳/۵	۱۳	۴/۱۱	۲۱/۲	۱۴	۱/۶۱	۷/۹	۱۴	لیسانس و بالتر
مقدار $F=۴/۷۸$ سطح معناداری = ۰/۰۰۰			مقدار $F=۴/۳۶$ سطح معناداری = ۰/۰۰۱			مقدار $F=۲/۳۵$ سطح معناداری = ۰/۰۴۲			مقدار $F=۳/۷۳$ سطح معناداری = ۰/۰۰۳			

با توجه به یافته‌های جدول، می‌توان چنین اظهار داشت:

الف) مقدار F و سطح معنی‌داری (۰/۰۰۳) نشان‌دهنده این است که میزان توانمندی اقتصادی روستاییان با توجه به سطوح مختلف تحصیلی آنها متفاوت است. آزمون LSD تفاوت میانگین این شش گروه را معنادار می‌داند: بی‌سواد و ابتدایی؛ بی‌سواد و دیپلم؛ بی‌سواد و فوق‌دیپلم؛ بی‌سواد و لیسانس و بالاتر؛ ابتدایی و فوق‌دیپلم؛ و راهنمایی و فوق‌دیپلم.

ب) میزان توانمندی اجتماعی روستاییان نیز بر حسب سطح تحصیلات آنها متفاوت است. در این آزمون مقدار F به دست آمده در سطح معناداری ۰/۰۴۲ برابر با ۲/۳۵ است. بر اساس آزمون LSD تفاوت میانگین بین این گروه‌ها معنی‌دار است: بی‌سواد و ابتدایی؛ بی‌سواد و راهنمایی؛ بی‌سواد و فوق‌دیپلم؛ بی‌سواد و لیسانس، و بالاتر.

ج) مقدار F و سطح معنی‌داری بیانگر تفاوت بودن میزان توانمندی روانی روستاییان در

سطوح مختلف تحصیلی است. بر اساس این جدول، با افزایش میزان تحصیلات، میانگین توانمندی روانی پاسخگویان نیز افزایش می‌یابد. آزمون LSD نشان می‌دهد که تفاوت میانگین بین گروه‌های بی‌سواد و دیپلم؛ بی‌سواد و فوق‌دیپلم؛ بی‌سواد و لیسانس و بالاتر؛ ابتدایی و فوق‌دیپلم؛ ابتدایی و لیسانس و بالاتر؛ راهنمایی و فوق‌دیپلم؛ راهنمایی و لیسانس و بالاتر؛ دیپلم و لیسانس و بالاتر معنی‌دار است.

د) میزان توانمندی کلی پاسخگویان بر حسب سطوح مختلف تحصیلی متفاوت است. در واقع می‌توان گفت که با افزایش میزان تحصیلات پاسخگویان، توانمندی کلی آنها نیز افزایش می‌یابد. آزمون LSD نشان‌دهنده معنی‌داری اختلاف میانگین بین این گروه‌هاست: بی‌سواد و ابتدایی؛ بی‌سواد و راهنمایی؛ بی‌سواد و دیپلم؛ بی‌سواد و فوق‌دیپلم؛ بی‌سواد و لیسانس و بالاتر؛ ابتدایی و لیسانس و بالاتر؛ راهنمایی و لیسانس و بالاتر؛ دیپلم و لیسانس و بالاتر. برای سنجش تفاوت میانگین توانمندی‌های پاسخگویان بر حسب وضعیت شغلی آنها از آزمون مقایسه میانگین F استفاده شده و نتایج حاصل از آن در قالب جدول ۱۰ درج گردیده است.

جدول ۱۰. آزمون مقایسه میانگین توانمندی‌های پاسخگویان برای وضعیت‌های مختلف شغلی

متغیر وابسته											متغیر مستقل	
توانمندی کل			توانمندی روانی			توانمندی اجتماعی			توانمندی اقتصادی			وضعیت شغلی
نسبیه استاندارد	میانگین	فراوانی	نسبیه استاندارد	میانگین	فراوانی	نسبیه استاندارد	میانگین	فراوانی	نسبیه استاندارد	میانگین	فراوانی	
۷/۰۳	۷۱	۱۰۹	۴	۴۱/۲	۱۱۳	۳/۹۲	۲۱/۹	۱۲۴	۱/۴۳	۸/۸	۱۲۸	شاغل
۷/۸۷	۶۵/۴	۳۲	۴/۱۳	۳۷/۹	۳۳	۴/۳۸	۲۰/۷	۳۹	۱/۲۵	۷/۶	۴۱	خانه‌دار
۶/۵۸	۷۵/۶	۷	۵/۰۱	۴۳/۱	۷	۲/۸	۲۳/۹	۸	۱/۱۶	۷/۲	۸	محصل
۶/۷۷	۶۸/۴	۶۱	۳/۹۴	۴۰/۱	۶۵	۴/۱۸	۲۱	۷۲	۱/۴۳	۵/۷	۷۴	جویای کار
۶/۹۸	۶۱	۴	۲/۰۶	۳۶/۳	۴	۵/۲	۱۷/۵	۴	۱/۲۵	۷/۲	۴	از کار افتاده
مقدار $F=۶/۲۴$ سطح معناداری = ۰/۰۰۰			مقدار $F=۵/۶۱$ سطح معناداری = ۰/۰۰۰			مقدار $F=۲/۴۱$ سطح معناداری = ۰/۰۵			مقدار $F=۴/۳۵$ سطح معناداری = ۰/۰۰۲			

نتایج حاصل از این آزمون را می‌توان چنین تشریح کرد:

الف) میزان توانمندی اقتصادی پاسخگویان بر حسب وضعیت شغلی آنها متفاوت است. مقدار F به دست آمده، با سطح معناداری $0/002$ برابر با $4/35$ است. بر اساس آزمون LSD تفاوت میانگین بین این گروه‌ها معنی‌دار است: شاغل و محصل؛ خانه‌دار و شاغل؛ خانه‌دار و جویای کار؛ شاغل و جویای کار؛ و شاغل و از کار افتاده.

ب) مقدار F و سطح معنی‌داری ($0/05$) بیانگر متفاوت بودن میزان توانمندی اجتماعی روستاییان در وضعیت‌های شغلی مختلف است. آزمون LSD نشان می‌دهد که تفاوت میانگین بین گروه‌های خانه‌دار و محصل؛ محصل و از کار افتاده؛ جویای کار و از کار افتاده؛ شاغل و از کار افتاده معنی‌دار است.

ج) در آزمون مقایسه میانگین توانمندی روانی پاسخگویان در وضعیت‌های مختلف شغلی مقدار F برابر با $5/61$ و سطح معنی‌داری نیز $0/000$ است. بدین ترتیب می‌توان گفت که میزان توانمندی روانی روستاییان بین گروه‌های مختلف شغلی متفاوت است. بر اساس آزمون LSD تفاوت میانگین توانمندی روانی بین این گروه‌ها معنی‌دار است: شاغل و خانه‌دار؛ خانه‌دار و محصل؛ خانه‌دار و جویای کار؛ شاغل و از کار افتاده؛ محصل و از کار افتاده؛ و جویای کار و از کار افتاده.

د) مقدار F و سطح معنی‌داری ($0/000$) نشان‌دهنده متفاوت بودن میزان توانمندی کلی روستاییان در وضعیت‌های مختلف شغلی است. آزمون LSD نشان می‌دهد که تفاوت میانگین گروه‌های شاغل و خانه‌دار؛ شاغل و محصل؛ شاغل و جویای کار؛ شاغل و از کار افتاده؛ خانه‌دار و محصل؛ خانه‌دار و جویای کار؛ محصل و از کار افتاده؛ جویای کار و از کار افتاده معنی‌دار است.

جدول ۱۱ نتایج آزمون معنی‌داری رابطه بین متغیرهای مستقل سن، تعداد افراد خانوار، تعداد افراد شاغل در خانوار و درآمد ماهیانه با متغیرهای وابسته تحقیق یعنی توانمندی اقتصادی، توانمندی اجتماعی، توانمندی روانی و توانمندی کل را نشان می‌دهد.

جدول ۱۱. آزمون معنی داری رابطه بین متغیرهای وابسته و متغیرهای زمینه‌ای

درآمد ماهیانه	تعداد افراد شاغل در خانوار		تعداد افراد خانوار		سن		نوع توانمندی	
	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری		
۰/۳	۰/۰۰۰	۰/۱۷	۰/۰۰۹	۰/۰۷	۰/۳	-۰/۱۶	۰/۰۱۴	توانمندی اقتصادی
۰/۱۶	۰/۰۲۳	۰/۱۳	۰/۰۶	-۰/۰۰۶	۰/۹۳	-۰/۱۴	۰/۰۲۴	توانمندی اجتماعی
۰/۰۸	۰/۲۸	۰/۰۱۳	۰/۸۶	-۰/۰۷	۰/۳	-۰/۱۲	۰/۰۶۵	توانمندی روانی
۰/۱۸	۰/۰۱۷	۰/۰۸۲	۰/۲۵	-۰/۰۳	۰/۷۱	-۰/۱۹	۰/۰۰۵	توانمندی کل

در جدول ۱۱ از آزمون ضریب همبستگی پیرسون برای سنجش معنی داری رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته استفاده شده است. با توجه به یافته‌های جدول، می‌توان گفت:

الف) بین سن پاسخگویان و میزان توانمندی اقتصادی آنها رابطه معنی داری وجود دارد ($\text{sig} = 0/014$). میزان این رابطه $-0/16$ است که نشان از همبستگی ضعیف و معکوس بین دو متغیر دارد. به عبارت دیگر، با افزایش سن پاسخگویان میزان توانمندی اقتصادی آنها کاهش می‌یابد. همین آمار در زمینه توانمندی اجتماعی نشان می‌دهد که بین سن پاسخگویان و میزان توانمندی اجتماعی آنها نیز رابطه وجود دارد ($\text{sig} = 0/024$). میزان ضریب همبستگی این رابطه $-0/14$ به دست آمده است؛ یعنی شدت همبستگی بین دو متغیر ضعیف است و نوع رابطه آنها نیز معکوس. براساس داده‌های جدول مورد بحث، رابطه‌ای بین توانمندی روانی پاسخگویان و سن آنها وجود ندارد ($\text{sig} > 0/05$). در مورد رابطه بین سن پاسخگویان و میزان توانمندی کلی آنها بر اساس نتایج جدول شماره ۱۱ می‌توان گفت که رابطه بین این دو متغیر در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنی دار است ($\text{sig} = 0/005$). شدت این رابطه برابر با $-0/19$ است که نشان از همبستگی ضعیف بین دو متغیر دارد و جهت آن نیز معکوس است.

ب) نمی‌توان رابطه‌ای معنی‌دار بین بُعد خانوار پاسخگویان و میزان توانمندی آنها (توانمندی اقتصادی، توانمندی اجتماعی، توانمندی روانی و توانمندی کل) مشاهده کرد ($\text{sig} > 0/05$).

ج) نتایج حاصل از آزمون ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که فقط بین دو متغیر تعداد افراد شاغل در خانوار و میزان توانمندی اقتصادی روستاییان رابطه معناداری وجود دارد ($\text{sig} = 0/009$). میزان این رابطه ۰/۱۷ است که نوعی همبستگی ضعیف و هم‌جهت را بین دو متغیر نشان می‌دهد. به عبارت دیگر، با افزایش تعداد افراد شاغل در خانوار توانمندی اقتصادی روستاییان نیز افزایش می‌یابد. بر اساس جدول ۱۱ بین تعداد افراد شاغل در خانوار و سایر ابعاد توانمندی (توانمندی اجتماعی، توانمندی روانی و توانمندی کل) رابطه معناداری وجود ندارد ($\text{sig} > 0/05$).

د) آزمون معنی‌داری پیرسون نشان می‌دهد که بین درآمد ماهیانه خانوار و میزان توانمندی اقتصادی پاسخگویان به لحاظ آماری در سطح اطمینان ۹۹ درصد رابطه معنی‌داری وجود دارد ($\text{sig} = 0/000$). میزان این رابطه ۰/۳ است که نشان از همبستگی‌ای متوسط و هم‌جهت بین دو متغیر دارد. همین آمار برای میزان توانمندی اجتماعی روستاییان بیانگر آن است که بین میزان درآمد ماهیانه خانوار و میزان توانمندی اجتماعی روستاییان نیز رابطه وجود دارد ($\text{sig} = 0/023$).

میزان ضریب همبستگی این رابطه ۰/۱۶ به دست آمده است؛ یعنی شدت همبستگی بین دو متغیر ضعیف و نوع رابطه آنها هم‌جهت است. بر اساس داده‌های جدول مورد بحث، بین میزان توانمندی روانی پاسخگویان و میزان درآمد ماهیانه خانوار رابطه‌ای وجود ندارد ($\text{sig} > 0/05$). با توجه به همین جدول، در مورد رابطه بین میزان درآمد ماهیانه خانوار و میزان توانمندی کلی پاسخگویان، می‌توان گفت که بین این دو متغیر رابطه معنی‌دار وجود دارد ($\text{sig} = 0/017$). شدت این رابطه برابر با ۰/۱۸ است که نشان از همبستگی ضعیف و هم‌جهت بین دو متغیر دارد.

جدول ۱۲ تفاوت بین جنسیت پاسخگویان و میزان توانمندی آنها را نشان می‌دهد. طبق یافته‌های جدول، فقط تفاوت بین دو متغیر جنسیت و توانمندی روانی به لحاظ آماری معنی‌دار است که در این زمینه میزان توانمندی روانی مردان بیشتر از زنان است.

جدول ۱۲. آزمون مقایسه میانگین توانمندی‌های مختلف پاسخگویان بر حسب جنسیت

متغیر وابسته	متغیر مستقل	میانگین	انحراف معیار	شاخص T	سطح معناداری
توانمندی اقتصادی	زن	۷/۰۷	۱/۴۴	-۱/۰۲	۰/۳۱
	مرد	۷/۳	۱/۵		
توانمندی اجتماعی	زن	۲۱/۹	۴/۱۳	۱/۳۸	۰/۱۷
	مرد	۲۱/۰۴	۴/۱		
توانمندی روانی	زن	۳۹/۱	۴/۶۲	-۱/۹۶	۰/۰۵
	مرد	۴۰/۴	۴/۰۱		
توانمندی کل	زن	۶۸/۲	۶/۳۵	-۰/۶۳	۰/۵۳
	مرد	۶۹	۷/۱۷		

در جدول ۱۳، نتایج آزمون مقایسه میانگین توانمندی روستاییان منطقه صنعتی‌شده بالغوزآجاج و منطقه صنعتی‌نشده قصلان نشان داده شده است. در این جدول به مقایسه تفاوت توانمندی کل و ابعاد مختلف آن - یعنی توانمندی اقتصادی، توانمندی اجتماعی و توانمندی روانی - در دو منطقه صنعتی‌شده و صنعتی‌نشده پرداخته می‌شود. بر اساس نتایج به دست آمده، صنعتی‌شدن منطقه نتوانسته است تفاوت معناداری را در هیچ یک از انواع توانمندی روستاییان به وجود آورد ($\text{sig} > 0/05$).

جدول ۱۳. آزمون مقایسه میانگین توانمندی‌های مختلف پاسخگویان بر حسب متغیر صنعت

متغیر مستقل	متغیر وابسته	دهستان قصلان		دهستان یالغوز آغاج			
		انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین		
صنعت	توانمندی اقتصادی	۰/۸۹	۰/۱۴	۱/۴۹	۷/۲۳	۱/۴۹	۷/۲۶
	توانمندی اجتماعی	۰/۹۵	۰/۰۶۴	۴/۰۸	۲۱/۲	۴/۱۵	۲۱/۲۴
	توانمندی روانی	۰/۷۷	۰/۲۹	۴/۰۱	۴۰/۰۵	۴/۳۴	۴۰/۲۲
	توانمندی کل	۰/۸۶	-۰/۱۸۱	۷/۱۳	۶۸/۹	۷/۷۱	۶۸/۷۱

نتیجه‌گیری

تحلیل رابطه بین ویژگی‌های زمینه‌ای پاسخگویان و توانمندی آنها، نشان می‌دهد که عاملیت جزو عوامل تأثیرگذار در فرایند توانمندسازی روستاییان مورد نظر است. به عبارتی، آنهایی که به هر حال قابلیت‌هایی داشتند، بیش از بقیه به فرایند توانمندسازی در ابعاد مختلف آن وارد شده‌اند. از میان متغیرهای زمینه‌ای مورد مطالعه در این تحقیق رابطه سن، تحصیلات، درآمد و وضعیت شغلی با توانمندی کلی روستاییان مورد تأیید قرار گرفت، ولی رابطه سایر متغیرهای زمینه‌ای (جنس، بُعد خانوار و تعداد افراد شاغل در خانوار) با توانمندی کل تأیید نشد. توانمندی اقتصادی روستاییان با پنج متغیر زمینه‌ای (سن، تحصیلات، درآمد، وضعیت شغلی و تعداد افراد شاغل در خانوار)، توانمندی اجتماعی با چهار متغیر زمینه‌ای (سن، تحصیلات، درآمد و وضعیت شغلی)، و توانمندی روانی با سه متغیر زمینه‌ای (جنس، تحصیلات و وضعیت شغلی) رابطه دارد.

در مورد صنعت باید گفت که صنعتی شدن منطقه از حیث ایجاد توانمندی در جامعه مورد بررسی، تفاوت معناداری را به وجود نیاورده است. این در حالی است که توانمندی روستاییان می‌تواند به روش‌های مختلفی از صنعت تأثیر بپذیرد که دو مورد از مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

۱- به‌کارگیری نیروی کار روستایی در بخش صنعت و آموزش آنها در زمینه‌های کاری مرتبط با آن. تماس روستاییان و به ویژه جوانان شاغل در بخش صنعت با کارکنان آن، که عموماً از نقاط شهری و با فرهنگ‌های مختلف‌اند، فرصت تعامل با آنها را برای روستاییان فراهم می‌آورد. این تعامل می‌تواند به تدریج باعث خارج شدن روستاییان از فرهنگ سنتی‌شان شود. نتیجه این کار در درازمدت، تغییر در میزان توانمندی روانی و اجتماعی روستاییان خواهد بود. علاوه بر این، ورود روستاییان به عنوان نیروی کار به صنعت و آموزش آنها می‌تواند باعث افزایش درآمد و بالا رفتن مهارت‌ها - و در نتیجه، ارتقای توانمندی اقتصادی روستاییان - شود.

۲- دومین شیوه‌ای که صنعتی شدن منطقه می‌تواند بر توانمندی روستاییان به‌ویژه توانمندی روانی و اجتماعی آنها - تأثیرگذار باشد، از طریق تعامل کارکنان صنعت با روستا حاصل می‌شود.

هر چه میزان رفت و آمد کارکنان صنعت به داخل روستا بیشتر باشد تغییر در توانمندی روستاییان تسریع می‌گردد. بررسی انجام شده در منطقه مورد مطالعه نشان می‌دهد که کارخانه ذوب آهن دهستان یالغوزآغاج در زمینه جذب و به‌کارگیری روستاییان موفق نبوده است و تعامل کارکنان کارخانه با روستاییان منطقه در کمترین میزان ممکن قرار دارد. در واقع این صنعت چونان بخش جدا افتاده‌ای از جامعه روستایی است که با به حاشیه رفتن آن بسیاری از تأثیرگذاری‌هایش بر جامعه روستایی سلب شده یا کمرنگ گردیده است؛ و این برخلاف هدفی است که در ابتدای ورود صنعت به منطقه پیش‌بینی شده بود. اگر اطلاعات جمع‌آوری شده از روستاییان کنار هم قرار گیرند، نتیجه‌ای که از صنعتی شدن منطقه در بُعد توانمندی روستاییان حاصل می‌شود، شکست عملکرد صنعت و ناکامی در دستیابی به اهداف اولیه و از پیش تعیین شده است.

لازم است پیش از ورود صنعت به هر جامعه، ساخت جامعه هدف مورد بررسی دقیق قرار گیرد؛ و در صورتی که آن جامعه فاقد ویژگی‌های لازم برای ورود صنعت باشد، یا باید این شرایط در جامعه ایجاد گردد یا احیا شود، یا اینکه اصولاً از ورود صنعت به جامعه چشم‌پوشی گردد. از سوی دیگر، توسعه روستایی به واسطه صنعتی شدن و با هدف بهبود توانمندی روستاییان باید از طریق صناعی صورت گیرد که سازگاری لازم را با نیازهای بومی منطقه داشته باشد و روستاییان نیز توان کار و فعالیت را در این صنایع دارا باشند.

منابع

- ازکیا، مصطفی و ایمانی، علی، ۱۳۸۷، توسعه پایدار روستایی، چاپ اول، انتشارات اطلاعات، تهران.
- امینی یخدانی، مریم، ۱۳۸۸، نقش اشتغال در سلامت زنان سرپرست خانوار، مجموعه مقالات دومین همایش توانمندسازی و توان‌افزایی زنان سرپرست خانوار، اداره کل امور بانوان شهرداری تهران، صص ۴۰-۱۷.
- جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۵، مجموعه سخنرانی‌های سمینار استقرار صنعت در روستا (با حضور استادان دانشگاه، صاحب‌نظران در صنعت و مدیران برنامه‌ریزی کشور)، چاپ اول، انتشارات جهاد دانشگاهی، اصفهان.
- حیدری ساریان، وکیل، ۱۳۸۸، نقش دانش توانمندسازی کارکنان جهاد کشاورزی و کشاورزان در توسعه کشاورزی؛ مطالعه موردی استان اردبیل، رساله دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، به راهنمایی دکتر عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری، دانشگاه تربیت مدرس.
- دربان‌آستانه، علیرضا، ۱۳۸۳، مفاهیم و مبانی ساماندهی صنایع در نواحی روستایی، چاپ اول، انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، تهران.
- رضوانی، محمدرضا و رمضانزاده لسبویی، مهدی و محمدپور جابری، مرتضی، ۱۳۸۹، تحلیل اثرات اقتصادی-اجتماعی نواحی صنعتی در توسعه نواحی روستایی؛ مطالعه موردی ناحیه صنعتی سلیمان آباد تنکابن، جغرافیا و توسعه، شماره ۱۸، صص ۲۶-۵.

حسین میرزایی و همکاران _____ توانمندسازی، صنعتی شدن و عوامل زمینه‌ای مؤثر بر آن

رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا و طاهرخانی، مهدی، ۱۳۸۱، استقرار صنعت در روستا و نقش آن در رفاه مناطق روستایی، مدرس علوم انسانی، سال ششم، شماره ۲۵، صص ۲۲-۱.

زنجانی، حبیب‌الله، ۱۳۷۹، توانمندسازی زنان با توجه به ویژگی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، مجموعه مقالات اولین همایش توانمندسازی زنان، مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری.

سن، آمارتیا، ۱۳۸۱، توسعه به مثابه آزادی، ترجمه وحید محمودی، چاپ اول، انتشارات دستان، تهران.

شادی‌طلب، ژاله، ۱۳۸۱، توسعه و چالش‌های زنان ایران، چاپ اول، نشر قطره، تهران.

شادی‌طلب، ژاله و وهابی، معصومه و ورمزباز، حسن، ۱۳۸۴، فقر درآمدی فقط یک جنبه از فقر زنان سرپرست خانوار، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۷، صص ۲۴۷-۲۲۷.

شکوری، علی و رفعت‌جاه، مریم و جعفری، معصومه، ۱۳۸۶، مؤلفه‌های توانمندی زنان و تبیین عوامل مؤثر بر آنها، پژوهش زنان، دوره پنجم، شماره ۱، صص ۲۶-۱.

صادقی، احمد، ۱۳۸۰، بررسی اقتصادی صنایع روستایی استان مازندران، مجله پژوهش‌های اقتصادی، سال اول، شماره ۱، صص ۱۰۵-۸۷.

طاهرخانی، مهدی، ۱۳۷۹، صنعتی شدن روستا، چاپ اول، انتشارات اداره کل طرح‌های صنعتی و بهره‌برداری، تهران.

طباطبایی یحیی‌آبادی، شهناز و حسینیان، سیمین، ۱۳۸۴، توانمندسازی زنان سرپرست خانواده از طریق مشاوره گروهی، آگاه‌سازی و کارآفرینی، فصلنامه خانواده‌پژوهی، سال اول، شماره ۴، صص ۳۶۸-۳۵۹.

غفاری، غلامرضا و دارابی، حسین و جهانگیری، پرویز، ۱۳۸۸، مروری بر شاخص‌های توانمندسازی با تأکید بر زنان سرپرست خانوار، مجموعه مقالات دومین همایش توانمندسازی و توان‌افزایی زنان سرپرست خانوار، اداره کل امور بانوان شهرداری تهران، صص ۳۴۰-۳۱۹.

کتایی، محمود و یزدخواستی، بهجت و فرخی راستایی، زهرا، ۱۳۸۲، توانمندسازی زنان برای مشارکت در توسعه، زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، سال اول، شماره ۷، صص ۳۰-۵.

کرمانی، مهدی، ۱۳۸۵، صنعتی شدن و اثر آن بر ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی روستاها؛ مطالعه موردی مجتمع صنعتی و معدنی مس قلعه زری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد توسعه روستایی، به راهنمایی دکتر مصطفی ازکیا، دانشگاه تهران.

محمودی، ناهیدالملوک و بهمن‌پور، حمید، ۱۳۸۸، توان‌افزایی زنان ایرانی سرپرست خانوار در سطح برنامه‌ریزی با تأکید بر برنامه سوم توسعه، مجموعه مقالات دومین همایش توانمندسازی و توان‌افزایی زنان سرپرست خانوار، اداره کل امور بانوان شهرداری تهران، صص ۴۴۸-۴۲۷.

مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵، نتایج کلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵، تهران.

مطیعی لنگرودی، سیدحسن و نجفی کانی، علی‌اکبر، ۱۳۸۵، بررسی و ارزیابی اثرات شهرک‌ها و نواحی صنعتی در توسعه اقتصادی و اجتماعی مناطق روستایی؛ مطالعه موردی شهرستان بابل، پژوهش‌های جغرافیا، سال ۳۸، شماره ۵۸، صص ۱۶۷-۱۴۵.

هیویت، تام و جانسون، هیزل و وایلد، دیو، ۱۳۷۷، صنعتی شدن و توسعه، ترجمه طاهره قادری، چاپ اول، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.

Eber, Ch.E. and Tanski, J.M., 2001, **Obstacles Facing Women's Grassroots Development Strategies in Mexico**, Review of radical political economics, Vol. 33, No. 4, PP. 441-460.

Islam, R. and Hehui, J., 1994, **Rural Industrialization: An Engine of Prosperity in Postreform Rural China**, World development, Vol. 22, No. 11, PP. 1662-1643.

Janssens, W., 2009, **Women's Empowerment and the Creation of Social Capital in Indian Villages**, World development, Vol. 38, No. 7, PP. 974-988.

Kabeer, N., 2005, **Gender Equality and Women's Empowerment: A Critical Analysis of the Third Millennium Development Goal**, Gender and development, Vol. 13, No. 1, PP. 13-24.

Lekoko, R.N. and Merwe, M.V.D., 2006, **Beyond the Rhetoric of Empowerment: Speak the Language, Live the Experience of Rural Poor**, International review of education, Vol. 52, No. 3-4, PP. 323-332.

Monkman, K. & Miles, R. and Easton, P., 2007, **The Transformatory Potential of a Village Empowerment Program: The Tostan Replication in Mali**, Women's studies international forum, Vol. 30, PP. 451-464.

Moyle, T.L. and Dollard, M.F., 2008, **Rural Indian and Indigenous Australian Women Working towards Empowerment: A Proposed Cross-Cultural Study**, International journal of rural management, Vol. 4, No. 1-2, PP. 153-168.

- Rifkin, S. B. 2003, **A Framework Linking Community Empowerment and Health Equality: It is Matter of CHOICE**, Journal of health, Population and nutrition, Vol. 21, No. 3, PP. 168-180.
- Schuler, S.R. and Hashemi, S.M., 1994, **Credit Programs, Women's Empowerment, and Contraceptive Use in Rural Bangladesh**, Studies in family planning, Vol. 25, No. 2, PP. 65-76.
- Sigurdson, J., 1975, **Rural Industrialization in China: Approaches and Results**, World development, Vol. 3, No. 7 & 8, PP. 538-527.